

مقاله زیر با تیتراژ "اتحادیه اروپا ی صلح ساز" ابتدا بزبان آلمانی در روزنامه معتبر آلمانی فرانکفورت روندشا تاریخ 25 اکتبر 2012 (link: <http://www.fr-online.de/meinung/gastbeitrag-zur-un-konferenz-die-eu-als>)  
<http://www.fr-online.de/meinung/gastbeitrag-zur-un-konferenz-die-eu-als> (link:2012) friedensmacher,1472602,20704866.html بچاپ رسید ترجمه فرانسوی و اسپانیایی این مقاله

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=8456>

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=8448>

در اختیار هموطنان در کشورهای فرانسوی و اسپانیایی زبان گذارده میشود. اکنون ترجمه فارسی آن نیز در اختیار هموطنان و علاقمندان گذارده میشود.

محسن مسرت 29 اکتبر 2012

## فرصت تاریخی در آخرین لحظه: کنفرانس سازمان ملل در باره ی منطقه ی خالی از سلاح های کشتار جمعی در خاور میانه و نزدیک.

در تاریخ بشر موقعیت های از دست رفته ی بسیاری با عواقب وخیم وجود داشته اند. بشریت اکنون بار دیگر در شرف از دست دادن موقعیتی تاریخی دیگری میباشد که میتواند فاجعه جدیدی را ببار آورد. این موقعیت تاریخی تشکیل کنفرانس سازمان ملل برای ایجاد منطقه ی خالی از سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه و نزدیک است. علیرغم اینکه این کنفرانس می تواند در آخرین لحظه از جنگی علیه ایران جلوگیری کند، سیاستمداران و رسانه های عمومی جهان آنر تا کنون بکلی نادیده گرفته اند. تشکیل این کنفرانس بعد از تقریباً سه دهه تلاش ناموفق، در سال 2010 در چارچوب کنفرانس بررسی پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (ن پی تی) که هر پنج سال یک بار تشکیل می شود، تصویب شد و یاکو لاجاوا، شخصیت دیپلماتیک وزارت امور خارجه فنلاند به عنوان هماهنگ کننده ی آن تعیین گردید. این کنفرانس قرار است در دو روز 17 و 18 دسامبر 2012 در هلسینکی اولین نشست خود را داشته باشد.

کشور مصر تحت حاکمیت حسنی مبارک نیروی موثر برای تصمیم سازمان ملل بود و به نظر می رسد که محمد مرسی، رئیس جمهور فعلی مصر مهمترین سیاستمداری باشد که در پیگیری اجرای این پروژه نقش فعالی بازی کند. مرسی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در 26 سپتامبر 2012 اعلام کرد که مصممانه تلاش خواهد کرد تا این کنفرانس در همین سال جاری حتماً تشکیل شود. اهمیت و ضرورت شروع این کنفرانس نه تنها در این است که شاید زمانی، مثلاً ده سال بعد، خاورمیانه به منطقه ای خالی از هرگونه سلاح کشتار جمعی تبدیل شود، بلکه از این جهت هم حائز اهمیت بسیاری میباشد که هرچه زودتر از حادثه شدن درگیری بر سر برنامه ی اتمی ایران جلوگیری کند. وصل این هدف مهم با این کنفرانس که اهداف درازمدتی را دنبال میکند، میتواند حتی نیروهائی را در عرصه ی بین المللی و منطقه ای بسیج کند که برای دسترسی به هدف نهایی نیز بسیار مفید باشند.

این کنفرانس در واقع از نظر سیاسی و حقوق بین الملل بدون شک عرصه ی مناسبی برای مذاکره در باره ی درگیری تقریباً دهساله بر سر برنامه ی اتمی ایران و حل مسالمت آمیز آن میباشد. و چنانچه درگیری هسته ای با ایران یعنی مهمترین مشکل روزدر روابط بین المللی بعنوان اهرم کاربردی برای تشکیل و شروع کنفرانس طرح نشود، کنفرانس مشروعیتش و معنی سیاسی خود را از دست داده و اصولاً بی معنی و بی محتوا میگردد.

این در حالی است که مذاکرات گروه غیررسمی 1+5 تا کنون نه تنها نتیجه‌ای نداشته و در عمل به بن‌بست رسیده است بلکه خطر جنگ را پیوسته بیشتر هم کرده است. این کنفرانس می‌تواند بالاخره به بازی موش‌و‌گربه‌ی طرفین درگیری پایان داده و عوامل واقعی درگیری یعنی تسلیحات هسته‌ای اسرائیل و برنامه‌ی هسته‌ای ایران را در صدر دستور روز و مذاکرات قرار دهد. اما مشکل در کجاست و چرا تشکیل این کنفرانس، نه تنها از سوی رسانه‌ها، بلکه حتی از سوی طرفین درگیری نیز نادیده گرفته می‌شود؟ هیچ‌یک از سران کشورهای اصلی درگیری، یعنی اوباما، احمدی‌نژاد و نتانیاهو در سخنرانی‌های خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر سال جاری حتی کلمه‌ای در این باره بر زبان نیاوردند.

رهبران سیاسی اسرائیل با دیدگاه‌های به شدت ایدئولوژیک‌شان، طبعاً مخالف اصلی ایده‌ی خاورمیانه‌ی خالی از سلاح‌های کشتار جمعی هستند. زیرا اسرائیل با تحقق این طرح انحصار اتمی خود در منطقه و آزادی عمل برای سیاست اشغال سرزمین‌های فلسطینی را برای همیشه از دست خواهد داد. اعتقاد دولتمردان اسرائیل به اینکه امنیت و موجودیت این کشور به سلاح‌های اتمی وابسته است، امید به دستیابی مردم اسرائیل به صلح دائمی در برابر صرف نظر کردن از تسلیحات هسته‌ای را از بین می‌برد. و در همین راستاست که اسرائیل شرکت خود در کنفرانس مورد بحث را مشروط به حل درگیری خاورمیانه پیش از تشکیل آن می‌کند. و این در حالیست که مهمترین مانع دستیابی به صلح خاورمیانه هیچ نیروی دیگری نیست بجز خود دولت اسرائیل، که با طرح صلح خاورمیانه بعنوان پیش شرط کنفرانس عملاً از عان میکند که تصمیم دارد مانع از تشکیل کنفرانس خاورمیانه و نزدیک عاری از تسلیحات کشتار دستجمعی نیز بشود.

به نظر می‌رسد، بعضی از رهبران جمهوری اسلامی ایران نیز بر این باور باشند که پذیرفتن ایران به عنوان قدرت تعیین‌کننده‌ی منطقه‌ای تنها با دستیابی به ظرفیتهای علمی و فن آوری هسته‌ای ممکن است. زیرا با رعایت منطق و دلائل عقلانی توجیه اصرار آنها در دستیابی به ظرفیتهای هسته‌ای به امری بسیار دشوار مبدل می‌گردد. نخبگان سیاسی ایالات متحد آمریکا که اوباما از مدت‌ها پیش خود را تسلیم راهبردهای هژمونستی آنها کرده است نیز به وضوح وجود یک متحد مسلح به تسلیحات هسته‌ای مانند اسرائیل را به منظور حفظ موقعیت هژمونستی ایالات متحد در این منطقه‌ی مهم استراتژیک به ایجاد خاورمیانه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی ترجیح می‌دهند. به این دلایل است که رهبران هر دو کشور ایران و آمریکا تلاشی جدی برای برگزاری کنفرانس تصویب‌شده‌ی سازمان ملل نمی‌کنند.

اینطور که به نظر می‌رسد، جامعه‌ی بین‌المللی واقعا در حال از دست دادن سهل‌انگانه‌ی فرست تاریخی برای جلوگیری از جنگی فاجعه‌بار است. زیرا مصر با رهبری جدیدی که به شدت درگیر مسایل داخلی کشور خود بوده و در مورد مشکلات بین‌المللی در مجموع بی‌تجربه است، به تنهایی توانایی از میان برداشتن موانع بزرگی را ندارد که بر سر راه تشکیل این کنفرانس قرار دارند. اما آیا نیروی سیاسی قابل‌ذکر دیگری وجود ندارد که بتواند در کنار مصر و فنلاند (که قرار است میزبان کنفرانس باشد) به میدان بیاید و از

رسوایی سیاست بین‌المللی و جنگی خانمان‌برانداز جلوگیری کند؟ پرسش در ایجاست که چرا اتحادیه‌ی اروپا برای تحقق این هدف گامی بر نمی‌دارد؟ در واقع تا کنون در مورد درگیری مربوط به برنامه‌ی هسته‌ای ایران از اتحادیه‌ی اروپا اقدام مهمی هم دیده نشده است.

اینکه اتحادیه‌ی اروپا یعنی بزرگترین قدرت اقتصادی جهان با منافع گوناگونی که در منطقه‌ای همسایه خود با بزرگترین ذخایر نفت و گاز جهان دارد، تا کنون سیاست فعالی نداشته و خود را زیر چتر متحد اتلانتیک اش مخفی کرده است، با هیچ منطق صلح جویانه و حتی اقتصادی قابل‌درک نیست. چنانچه جنگی علیه ایران درگیرد، خسارت‌های به مراتب بزرگتری متوجه اتحادیه‌ی اروپا خواهد شد تا ایالات متحد آمریکا که در فاصله‌ای دور قرار دارد. در حالی که یک ابتکار سیاسی فعال در این مورد از سوی اتحادیه‌ی اروپا نه تنها می‌تواند از شکست طرح کنفرانس مصوب سازمان ملل جلوگیری کند، بلکه موقعیتی تاریخی برای اقدام مستقل و رهایی از وابستگی سیاسی متحدی است که اهداف تسلط طلبانه‌اش همیشه با منافع اروپا همخوان نیست. از این گذشته، اروپا با در پیش گرفتن چنین سیاست فعالی نه تنها می‌تواند از جنگ علیه ایران جلوگیری کند، بلکه با چشم‌انداز خاورمیانه‌ی خالی از سلاح‌های کشتار جمعی، زمینه‌ی لازم برای صلح خاورمیانه را فراهم آورد.

آیا در عرصه‌ی سیاست خارجی هدفی نزدیک‌تر و کم‌هزینه‌تر از این برای اتحادیه‌ی اروپا وجود دارد که همچون نیروی صلح‌طلب ابتکار را به دست بگیرد و برای برگزاری کنفرانسی تلاش کند که در سال 2010 در سازمان تصویب ملل تصویب شده؟ آیا هدای جایزه نوبل صلح به اروپا به بهانه از بین بردن روابط خشونت‌زا بین کشورهای اروپائی در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، این قدرت سیاسی جهانی را از دریچه اخلاقی موظف به مسئولیت بیشتری در ایجاد منطقه خاورمیانه و نزدیک خالی از تسلسحات کشتار جمعی نمی‌کند؟ اروپا باید با جسارت و پیگیری از همه‌ی کشورهای منطقه از جمله ایران و اسرائیل بخواهد که بدون هیچگونه پیش شرطی در این کنفرانس شرکت کنند و در تشکیل کنفرانس هیچ خللی را، حتی اگر تعداد اندکی از کشورهای منطقه از شرکت در آن خودداری ورزند، بخود راه ندهد. هیچ‌یک از دولت‌های منطقه، حتی آنهایی که در زندان ایدئولوژیک خود اسیرند، نمی‌توانند در درازمدت بدون از دست دادن مشروعیت مردمی کشور خود به ندای صلح‌طلبانه‌ی کنفرانس سازمان ملل پاسخ منفی بدهند و بلافاصله به آن نپیوندند. تنها اعلام شروع کنفرانس مصوب سازمان ملل می‌تواند خود بخود از حدت درگیری بر سر برنامه‌ی هسته‌ای ایران خواهد بکاهد.